



# کلام مسیحی

قسمت دوم

- کلام مسیحی
- توماس میشل
- ترجمه حسین توفیقی
- مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

پروفسور سکا علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتابخانه

مؤلف می گوید: این «عزت» با گذشت زمان، نخست از جانب یهود و سپس از جانب امپراطوری روم به «دشمنی» مبدل گشت.

### ۲- دوران رنج و ستم:

مؤلف در این مبحث به اعتقاد اولیه مسیحیان مبنی بر بازگشت سریع و باشکوه مسیح اشاره می کند و به نحوه برپایی کلیساها و فعالیت اسقفان، کشیشان و شماسان می پردازد و موضع دولت روم را درقبال کلیسا و مؤمنان که بعضاً مسالمت آمیز و بعضاً آزاردهنده بود بیان می دارد. در ادامه مؤلف به قدرت پیدا کردن تدریجی برخی از مراکز مسیحی اشاره می کند و در عین حال می گوید: با آنکه بیشتر مسیحیان با گذشت زمان دانستند که بازگشت مسیح نزدیک نیست، ولی اقلیتی از آنها همچنان بر این عقیده باقی ماندند....

### ۳- نزاع در باب طبیعت مسیح و شوراهاى نخستین :

برخی از مسیحیان نخستین تاثیر اندیشه های غنوصی (ناستیک) انسان بودن عیسی را انکار کردند و غنوصیان وی را فرشته ای می دانستند که معرفت اسرارآمیزی از خدا برای بشر آورده است. همچنین گروهی به نام

### فصل سوم: جامعه مسیحی و تحول آن

#### ۱- کلیسا در عصر رسولان :

جامعه مسیحیت که در توصیف آن در کتاب عهد جدید آمده، «کلیسای رسولان» نامیده می شود و مقصود از آن جامعه رسولان و نسلهای نخستین مسیحیت است. این جامعه از نظر زمانی، تقریباً فاصله سالهای ۳۰ تا ۱۰۰، یعنی از عید گلریزان (پنجاهه، پنطیکاست) تا تدوین آخرین بخش کتاب مقدس را فرا می گیرد. شیوه زندگی جامعه مسیحیان نخستین در کتاب اعمال رسولان به شرح ذیل آمده است.

«[تازه مسیحیان] در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت. همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند. هر روز در هیکل به یک دل پیوسته می بودند و درخانه ها نان را پاره می کردند و خوراک به خوشی و ساده دلی می خوردند و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گشتند.»

الهیات عقلی کوشش است برای مشخص کردن اندازه معرفتی که تنها با عقل می توان درباره خدا کسب کرد. با آنکه این رشته را معمولاً جزو الهیات قرار می دهند. در واقع رشته مذکور بخشی از علوم فلسفی است. این علم می کوشد تا آن بخش از معرفت خدا و صفات او را که از طریق حواس، منطق و کوششهای عقل بشری ممکن و میسر است مورد شناسایی قرار دهد

علمای الهی بنیادگرا بر این مسئله تأکید می کنند که ما نمی توانیم شناختی از خدا داشته باشیم مگر آنچه را که خود او بر ما مکشوف می سازد. بر این اساس، علم الهیات به معنای دقیق آن «علم وحی» است

مورد توجه مسیحیان شرقی را می پذیرند...

#### عکس کلیسا در قرون میانه

در روزگار قسطنطین (م. ۳۳۷) جامعه مسیحیت از «گروهی» که مورد آزار قدرتهای امپراطوری روم بود به کلیسای دولتی تحول یافت و حکومت آنرا به رسمیت شناخت. بر اثر این تحول، تغییر و دگرگونی بزرگی در زندگی کلیسا پدید آمد و بیشتر مردم در امپراطوری بیزانس و امپراطوری روم، به استثنای یهود، دست کم در ظاهر به مسیحیت درآمدند. هنگامی که جدایی بین شرق و غرب کامل شد هریک از آن دو منطقه مستقلاً مراسم عبادی، فلسفه، الهیات و سنت خود را شکل داد...

هنگامی که در اوایل قرن هفتم میلادی دین اسلام در جزیره العرب ظهور کرد و حاکمان مسلمان اداره امور مناطق مسیحی نشین در مصر، شام، بین النهرین و شمال آفریقا را در دست گرفتند، مسیحیان مجبور شدند به دین اسلام با دیده احترام بنگرند و مسلمانان را یاران ایمان و هموطن، بلکه غالباً حاکم برخورد قبول کنند.

در قرنهای یازدهم تا سیزدهم، دولتهای اروپایی جنگهای صلیبی را به راه انداختند و بر اثر آن، دشمنی و نفرت نه تنها بین مسلمانان و مسیحیان، بلکه میان مسیحیان غرب اروپا و مسیحیان بیزانسی تا به امروز برجای مانده است. ویرانگریها، شکنجهها و کشتارهایی که مسیحیان در هجوم به قدس (۱۰۹۹) و قسطنطنیه (۱۲۰۴) از خود بروز دادند، بدترین تاثیر را هم نزد مسلمانان و هم نزد مسیحیان شرقی باقی گذاشت. آفتهایی نیز زندگی کلیسای کاتولیک را در قرون میانه به پرتگاه نابودی کشاند که شاید زشت ترین و ناپهناجارتترین آنها «سایمونی» باشد که عبارت بود از فروش منصبهای روحانی و امتیازات کلیسایی. علاوه بر این، پاپها، اسقفان و کشیشان تقریباً تمام نقشهای مهم کلیسایی را در انحصار خود قرار داده بودند و نقش قابل توجهی برای عامه مردم قائل نمی شدند و آنان را در ظلمات جهل به امور دین و ایمان رها می کردند.

مؤلف می نویسد: البته اقدامات اصلاحی نیز در کلیسای قرون میانه پدید آمد برخی از این اقدامات در عین پذیرفتن اقتدار پاپها، اصلاح مفاسدی را که چهره کلیسا را زشت کرده بود، مدنظر داشت، ولی برخی دیگر کلیسای کاتولیک را نمی پذیرفت و برای پیگیری یک زندگی مسیحی بهتر و همراه با پرهیزکاری بیشتر تلاش می کرد. از این رو، در میان این گروه برخی اوقات افکار و عقایدی پدید می آمد که با ایمان سنتی کلیساها هماهنگ نبود و موجب تکفیر آنها گردید. کلیسا و دولت دست به دست هم دادند و برای زدودن آن بدعتها، با شیوههای غالباً بسیار قساوت آمیزی با آنها جنگیدند... در سال ۱۲۲۲، دادگاههای تفتیش عقاید برای رسیدگی به بدعتها تاسیس شد و هرکس در امور دینی به گمراهی رفته بود، اگر حاضر به بازگشتن به راه راست نبود، به اعدام محکوم می شد.

#### ۷- اصلاح دین:

در حالیکه بسیاری از کارگزاران کلیسا مردم را به اصلاح دین فرامی خواندند، جریان «بخش نامهها» مانند توپ صدا کرد و ایجاد شکاف در

«دوکستیستها» (ظاهر گرایان) می گفتند که عیسی جسم بشری نداشت و بر صلیب نمرد بلکه فقط از نظر «ظاهر» به شکل آدمی درآمده بود. کلیساهای مسیحی در قرن بعد، تعالیم غنوصیان و ظاهرگرایان را باطل و محکوم اعلام کردند و برحقیقت انسانیت موجود در عیسی اصرار ورزیدند. در ادامه مؤلف به تبیین شورای تحسین که به بررسی و رفع اختلافات اتمام داشتند پرداخته است. این شوراها عبارت است از الف: شورای نیقیه سال ۳۲۵ ب: شورای افسس به سال ۴۳۱ ج: شورای کالسندوس (خلقیدونیه) به سال ۴۵۱

#### ۴- نزاع در باب شکستن شمالیها (ایکونها)

عدهای از مسیحیان بین سالهای ۷۲۵ تا ۸۴۲ احساس کردند احترام به شمایلها [در کلیساها] کار شایسته ای نیست. مورخان برای این مخالفتها سه علت یافتند:

الف - در برخی از جوامع مسیحی جریانهایی پدید آمد که از جنبه بشری عیسی می کاست و این در حالی بود که طبیعت جسمانی وی با وجود شمایلها تأکید می شد.

ب - در شرق آناطولی بدعتی مسیحی پیدا شد که تحت تاثیر مانویت می گفت هر چه مادی باشد شر است و در نتیجه تصاویر اجسام بشری برای اماکن عبادت شایستگی ندارد.

ج - امپراطور احساس می کرد که استفاده کردن از شمایلها از ورود مسلمانان و یهودیان به مسیحیت جلوگیری می کند. در ادامه مؤلف به نزاع خونین و سرسختی که به مدت یک قرن و نیم اتفاق افتاد اشاره می کند. مؤلف می نویسد: سرانجام شورای دومی در نیقیه به سال ۷۸۷ برپا شد و اعلام کرد احترام تصاویر در صورتی جایز است که مؤمن توجه داشته باشد که وی تصویر را احترام نمی کند، بلکه صاحب تصویر را ارج می دهد و بداند که عبادت حقیقی جز برای خدای متعال نیست.

#### ۵- جدایی شرق و غرب

حکم جدایی برانفصال بین دو بخش یا گروه از مسیحیان دلالت می کند و ربطی به اعتقاد ندارد. مهمترین «جدایی» در تاریخ مسیحیت آن است که بین کلیسای قسطنطنیه و کلیسای رم پدید آمد و آن را گاهی «جدایی شرق و غرب» می خوانند. مؤلف معتقد است: شکی نیست که بیشتر جداییها بر اثر اسباب و علل سیاسی پیش می آمد ولی یک عنصر اعتقادی در جدایی اخیر (سال ۱۰۵۴) وجود داشت، مبنی بر استفاده از «عبارت» «و از پسر» در قانون ایمان: کاتولیکها (همچنین پروتستانها) برای اظهار ایمان خود به صدور روح القدس از خدای پدر و عیسی پسر که با هم عمل کرده اند، عبارت مذکور را به کار می برند، در صورتیکه ارتودکسها به عبارت اصلی قانون ایمان بسنده می کنند و عبارت «و از پسر» را به آن نمی افزایند. به عقیده ارتودکسها روح القدس فقط از خدای پدر صادر شده است. مؤلف می نویسد: با اینکه مساله مذکور پیوسته در دورانهای پیش مورد بحث شدیدی بین مسیحیان شرقی و غربی بوده، ولی در حقیقت نمی تواند علت مهمی برای اختلاف باشد و مسیحیان غربی عبادت سنتی

**آفتهایی نیز زندگی کلیسای  
کاتولیک را در قرون میانه به  
پرتگاه نابودی کشاند که شاید  
زشت ترین و نابهنجارترین آنها  
«سایمونی» باشد که عبارت بود از  
فروش منصبهای روحانی و  
امتیازات کلیسایی**

انگیزه اصلاحی خود، عناصر مهمی از ایمان مسیحی را به فراموشی سپرده‌اند. بر اثر این اندیشه، نهضتی پدید آمد که برای اصلاح کلیسای کاتولیک «از درون» می‌کوشید. این نهضت «اصلاح متقابل» نامیده شد...

**ج: کلیسای ارتودوکس و اصلاح:**

در قرن شانزدهم، ارتودوکسها لازم دیدند که موضع خود را نسبت به مسائل مورد نزاع کاتولیکها و پروتستانها بیان کنند....  
در سالهای ۱۶۴۳ و ۱۶۷۲ کلیساهای ارتودوکس دو متن قانون ایمان را پذیرفتند که پطرس موکلا، سراسقف کیسیف ودوسپاوس، پاتریک شهر قدس اعلام کرده بودند. مسائل زیر در آن دو متن مطرح شده است. ابطال پیشنهادی پروتستان، تایید عقیده ارتودوکسی در رابطه بین سنت کلیسا و کتاب مقدس، احترام قدیسان و تصاویر مذهبی، تعداد اسرار (آیینهای کلیسا) و معنای آنها و نجات از راه ایمان و عمل...

**۸. شورای واتیکانی دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵)**

آخرین شورای جهانی کلیسا به دعوت پاپ ژان بیست و سوم تشکیل شد و هدف از آن نوسازی کلیسای کاتولیک به مقتضای نیازهای عصر جدید بود. در این شورا اسقفانی از تمام مناطق جهان شرکت کردند. همچنین مراقبانی از کلیساهای ارتودوکس و پروتستان و میهمانانی از اسلام، یهودیت و ادیان دیگر حضور داشتند. شورای واتیکانی مذکور شانزده سند منتشر کرد که هدف از آنها نوسازی همه مظاهر ایمان و رفتارهای دینی بود. مهمترین تعالیم شورا به شرح ذیل است:

۱- منزلت ممتاز کتاب مقدس در ایمان کلیسا؛

۲- روحانی قلمداد شدن همه مسیحیان؛

۳- تعهد به پیگیری تلاش برای وحدت مسیحیت (عمل جهانی)؛

۴- تعهد جدی به مبارزه برای برقراری عدالت، صلح و حقوق بشر؛

۵- برگزاری مراسم عبادت به زبان محلی؛

۶- وجود نجات الهی برای پیروان ادیان دیگر؛

...

عنوان یکی از سندهایی که شورا منتشر کرده، چنین است: «اظهارنظر پیرامون رابطه کلیسا با ادیان غیرمسیحی» بخش مخصوص به اسلام در سند یاد شده، نخستین منبع کلیسایی است که در آن موضوع مسلمانان به طور رسمی بررسی می‌شود. خلاصه‌ای از این بخش به شرح ذیل است:  
- مسیحیان باید به مسلمانان با دیده احترام بنگرند و آنان را ارج نهند.  
- مسلمانان و مسیحیان خدای واحدی را می‌پرستند که آفریدگار آسمان و زمین، توانا و مهربان است و با بشر سخن گفته است.  
- مسلمانان و مسیحیان به طور یکسان می‌کوشند که تعلیم فرمانهای او باشند.

- هر دو گروه ایمان خود را به ایمان ابراهیم استناد می‌دهند.

- مسلمانان به عیسی به عنوان یک پیامبر تعظیم می‌کنند و مریم باکره را گرامی می‌دارند.

- مسلمانان و مسیحیان در انتظار روز داوری و رستاخیز مردگان هستند.



کلیسای غربی را قطعی نمود. قضیه از این قرار بود که شماری از واعظان پرشور مناطق مختلف اروپا را زیرپا گذاشتند و در همه جا اعلام کردند که هر مومنی می‌تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا خود را از مجازات بازخرید کند و نجات دهد. در این هنگام مارتین لوتر (۱۵۴۶م) قیام کرد... لوتر درصدد بود کلیسا را طبق تعالیم اصلی کتاب مقدس اصلاح کند (و به این دلیل نهضت وی «اصلاح انجیلی» نامیده شد). دیری نپایید که با اختلاف پیدا کردن پیروان لوتر در برخی از امور مربوط به ایمان و چند دستگی آنان، حرکت اصلاح از هم پاشید و برخی از ایشان کلیساهای ویژه‌ای تاسیس کردند.

**ب: اصلاح کاتولیکی متقابل**

کلیسای کاتولیک از روی ناچاری به وارد بودن تعدادی از اتهامات مطرح شده توسط مصلحان اعتراف کرد و بسیاری از پیروان آن کلیسا گفتند که تخلفات مورد اعتراض مصلحان یک واقعیت است و باید بی‌درنگ آنها را از میان برداشت. از سوی دیگر، کاتولیکها مشاهده کردند که مصلحان، بر اثر



فلسفه دین از زمان روشنگری آلمانها در قرن هجدهم به عنوان رشته‌ای مستقل از رشته‌های مطالعات فلسفی جلوه‌گری کرد. این فن مظاهری از زندگی بشر را که به مقوله «دین» و «تجربه دینی» مربوط می‌شود، بررسی می‌کند و به بحث درباره گوهر دین، محتوا و ریشه‌های آن، ارزش و نقش دین در تجربه انسان و تبیین حقیقت می‌پردازد.

- مسلمانان زندگی مبتنی بر اخلاق را ارج می‌نهند.

- مسلمانان خدا را می‌پرستند، به ویژه از طریق نماز، روزه و انفاق.

اظهار نظر شورای واتیکانی دوم پیرامون اسلام چنین خاتمه می‌یابد: از آنجا که در طول قرنهای گذشته درگیریها و دشمنیهای زیادی بین مسیحیان و مسلمانان پدید آمده است. شورا مؤکداً از همگان می‌خواهد که گذشته را به فراموشی بسپارند و صمیمانه به تفاهم گرایش پیدا کنند و با یکدیگر برای حفظ و تقویت صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و ارزشهای اخلاقی به سود همه افراد بشر بکوشند.

مؤلف ادامه می‌دهد: در سال ۱۹۶۵، پاپ پل ششم در واتیکان دبیرخانه گفتگوی ادیان را تاسیس کرد و پس از آن کمیته‌ای را برای گفتگو با مسلمانان به آن افزود که از اهداف آن، تقویت احترام متقابل و ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان از طریق سخنرانیهای علمی، مطالعات و طرحهای مشترک در زمینه امور اجتماعی و جریانات مربوطه به توسعه و اخلاق است.

#### ۹- نهضت جهانی:

مؤلف می‌نویسد: این حرکت یک نهضت مسیحی است که برای بازگرداندن وحدت بین کلیساها به گونه‌ای که مسیح میان شاگردان خود دوست می‌داشت، می‌کوشد. در طول تاریخ مسیحیت، انسانهایی وجود داشته‌اند که از پدید آمدن انشعاب در جمع مومنان رنج برده و برای بازگرداندن یکپارچگی به کلیسا تلاش کردند. این تلاشها با تولد نهضت جهانی در قرن بیستم قوت و قدرت بیشتری پیدا کرد، نهضت جهانی، همان گونه که از نام آن برمی‌آید، وحدت کلیساها در سراسر عالم را هدف خود انتخاب کرده است...

#### درآمدی بر الهیات و فلسفه و عرفان:

#### ۱- علم الهیات

علمای الهی بنیادگرا بر این مسئله تأکید می‌کنند که ما نمی‌توانیم شناختی از خدا داشته باشیم مگر آنچه را که خود او بر ما مکتشف سازد. بر این اساس، علم الهیات به معنای دقیق آن «علم وحی» است. الهیات نزد مسیحیان، زمینه‌هایی از مطالعات دینی را شامل می‌شود که از «علم کلام» در سنت اسلامی گسترده‌تر است. شاید علم الهیات مسیحی با مباحث علم فقه اسلامی تناسب بیشتری داشته باشد. از جمله چیزهایی که در محدوده علم الهیات می‌گنجد، موضوعات زیر است:

- مطالعه در باب تعالیم کتاب مقدس؛

- تلاش برای فهم حقایق، در پرتو تعالیم مسیحی؛

- تحولات تاریخی در عبارات بیان‌کننده ایمان مسیحی در طی قرون؛

- توضیح آنچه تنها با عقل می‌توان درباره خدا دانست؛

- بیان معنای قداست مسیحی و راههای دست‌یافتن به آن؛

- بنیادهای اخلاق و تاثیر عملی تعالیم مسیحیت در زندگی مسیحیان؛

#### الف - الهیات کتاب مقدس:

نویسندگان کتاب مقدس تفکر الهی خود را به گونه‌ای نظام یافته بیان نکرده‌اند و برای دست یافتن به اندیشه آنان باید متن کتاب را کاملاً بررسی کرد، ساختار و شیوه ادبی آن را در موارد مختلف سنجید. به پیگیری انگیزه‌های نگارنده و اهداف وی پرداخت. و به کمک آنها، گرایش تعالیم وی را شناسایی کرد. این فرایند را «الهیات کتاب مقدس» می‌نامند.

#### ب - الهیات نظام یافته (یا نظری)

این علم به کوشش برای فهم همه حقایق در پرتو تعالیم مسیحیت اطلاق می‌شود و بر فلسفه که برای درک عقلی طبیعت جهان می‌کوشد، استوار است.

#### ج - تاریخ عقاید (الهیات تاریخی)

این بخش از الهیات چگونگی دریافت مسیحیان از دین خود در طول تاریخ را بررسی می‌کند. مطالعات این بخش مشتمل بر مسائل زیر است: تعالیم پایه‌ها؛ شوراها؛ جهانی؛ جدهای عقیدتی در کلیسا؛ نقش فردی دانشمندان الهی و عارفان؛ نهضت‌های گوناگونی که برای نوسازی دین کوشیده‌اند و پس از آن رشد یافته یا در ایمان مسیحی تجدیدنظر کرده‌اند؛ تعالیم پاتریکها، اسقفها و شوراها؛ محلی.

#### د - الهیات پدران:

دوره‌ای از تاریخ کلیسا که پدران نخستین کلیسا در آن می‌زیسته و فعالیت می‌کرده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دوره از قرن دوم آغاز می‌شود و به قرن ششم پایان می‌یابد و مطالعات مربوط به آن دوره را الهیات پدران می‌نامند. پدران در کلیسای قدیم متفکران و دانشمندان در الهیات بودند که تفاسیری بر کتاب مقدس نوشتند، از اعتقاد مسیحی در مقابل بدعت‌گذاران دفاع کردند، امور مربوط به ایمان و شرایط آن را شرح دادند. حوادث و مجادلات زمان خویش را ثبت نمودند و به انتقال تعالیم مسیحی به یهودیان و بت‌پرستان عصر خود پرداختند.

#### ه - الهیات عقلی و فلسفه دین:

الهیات عقلی کوششی است برای مشخص کردن اندازه معرفتی که تنها با عقل می‌توان درباره خدا کسب کرد. با آنکه این رشته را معمولاً جزو الهیات قرار می‌دهند، در واقع رشته مذکور بخشی از علوم فلسفی است. این علم می‌کوشد تا آن بخش از معرفت خدا و صفات او را که از طریق حواس، منطق و کوششهای عقل بشری ممکن و میسر است مورد شناسایی قرار دهد.

فلسفه دین از زمان روشنگری آلمانها در قرن هجدهم به عنوان رشته‌ای مستقل از رشته‌های مطالعات فلسفی جلوه‌گری کرد. این فن مظاهری از زندگی بشر را که به مقوله «دین» و «تجربه دینی» مربوط می‌شود، بررسی می‌کند و به بحث درباره گوهر دین، محتوا و ریشه‌های آن،

#### مسیحیان نخستین با

#### فلسفه برخوردی

احتیاط‌آمیز داشتند و در

برخی اوقات آن را کاملاً

مردود می‌شمردند. علت

این امر آن بود که از

دیدگاه ایشان، فلسفه با

دیانت بت پرستی

یونانیان برابر بود و

فلسفه را فقط نوعی بیان

فکری از جهان بینی

بت پرستی می‌دانستند.

براین اساس، آنان

احساس می‌کردند که

آموختن علوم فلسفی

یونان که در جهت

مخالفت ایمان به خدای

واحد قرار گرفته است،

برای آنان روا نیست...



در اسکندریه، فلسفه به عنوان کوششی بشری برای شناخت و تلاشی فراتر از اعتقادات دینی و آیینهای مردم تلقی می‌شد. در زمان خود عیسی نیز فیلسوف یهودی بزرگ اسکندریه، فیلون (۲۰ ق.م. ۵۰ م.) به تفسیر اندیشه یهودی از زوایه متافیزیک افلاطون شهرت یافته بود. از این رو، تعجبی ندارد که اسکندریه نخستین مکانی باشد که در آن مسیحیان از اصطلاحات و مفاهیم فلسفه یونان برای بیان تعالیم مسیحی استفاده کرده باشند



شماری از واعظان پرشور، مناطق مختلف اروپا را زیرپا گذاشتند و در همه جا اعلام کردند که هر مومنی می‌تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا خود را از مجازات باز خرید کند و نجات دهد. در این هنگام مارتین لوتر (م ۱۵۴۶) قیام کرد لوتر درصدد بود کلیسا را طبق تعالیم اصلی کتاب مقدس اصلاح کند دیری نپایید که با اختلاف پیدا کردن پیروان لوتر در برخی از امور مربوط به ایمان و چند دستگی آنان، حرکت اصلاح از هم پاشید و برخی از ایشان کلیساهای ویژه‌ای تاسیس کردند

ارزش و نقش دین در تجربه انسان و تبیین حقیقت می‌پردازد.

#### و الهیات روحانی (تنسک و تصوف)

این علم برای فهم عمل فیض خدا در زندگی مومن مسیحی می‌کوشد و مباحث آن به قرار زیر است:

- ۱- هدف زندگی مسیحی به عنوان اتحاد در محبت بین مومن و خدا؛
- ۲- مراحل کمال در مسیحیت؛
- ۳- شیوه‌های دعا، تاملات و مشاهدات روحی؛
- ۴- مشکلات و خطرهایی که مومن در راه تهذیب نفس با آنها برخورد می‌کند؛
- ۵- تطبیق دادن شعائر روحی با آنچه برای زندگی روزانه مسیحی مطلوب است؛
- ۶- راههای تشخیص دادن انگیزه‌های دینی که از روح خدا صادر می‌شود، از انگیزه‌هایی که منشأ آنها روح شرارت و خودخواهی است.

#### ز- الهیات ادبی (اخلاقی)

این علم برای فهمیدن آن قسمت از تعالیم مسیحی که به دستورهایی اخلاقی مربوط می‌شود، تلاش می‌کند. در این فن، تعالیم کتاب مقدس پیرامون اخلاق مطالعه می‌شود و با توضیح مبانی آن تعالیم، یک فرد مسیحی می‌تواند تعالیم یاد شده را بر همه مظاهر زندگی فردی و اجتماعی خویش تطبیق دهد و اجرا نماید. براین اساس، الهیات ادبی به تعیین بنیادهایی می‌پردازد که مسیحیان باید زندگی اخلاقی خویش را بر آن استوار کنند. همچنین الهیات ادبی به بررسی مسائل نوظهوری می‌پردازد که به طور آشکار در کتاب مقدس نیامده است.

#### ح- الهیات شبانی

الهیات شبانی درصدد یافتن بهترین شیوه‌ها برای اجرای رسالت مسیحی است تا از این راه بتواند جامعه‌های مسیحی واقعی به وجود آورد برای تامین این امر مسائل زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

- ۱- تربیت مسیحی و تعالیم دینی ۲- اعلام رسالت مسیحی ۳- راهنمایی مسیحیانی که گرفتار مشکلات شده و نیاز به راهنمایی دارند ۴- شیوه‌های بنیانگذاری جوامع مسیحی ۵- مظاهر جامعه شناختی و انسان شناختی در زندگی مسیحی

ط - چند رشته تازه در علم الهیات

#### الهیات ادیان :

این رشته رابطه مسیحیت با سایر ادیان را مورد بررسی قرار می‌دهد... در این علم سوالاتی از مقوله‌های زیر مطرح می‌شود:

- چگونه خداوند در جوامع دینی دیگر عمل می‌کند؟
- چگونه خدای متعال یهودیان، مسلمانان و دیگران را نجات می‌دهد؟
- آیا امکان دارد که در ادیان دیگر پیامبران و کتابهای مقدسی یافت شود؟

- موضع مسیحیان در قبال پیروان ادیان دیگر چگونه باید باشد؟ این رشته با علم مقایسه ادیان و تاریخ ادیان تفاوت دارد.

#### الهیات آزادبختی

این بحث تازه در الهیات بر این اساس استوار است که خدا می‌خواهد تمام ابعاد انسان نجات یابد نه فقط بعد روحی او؛ در این رشته سوالاتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- کتاب مقدس از مسیحیانی که باشکالی از ستم و فشار روبه رو می‌شوند چه چیزی را می‌خواهد؟
- آیا مسیحیان حق یا وظیفه دارند که در نهضتها و سازمانهای آزادی بخشی که در مقابل رژیمها و دولتهای جبار قیام کرده‌اند، شرکت کنند؟
- ارزش تحلیلهای مربوط به رژیمها و ساختارهای اجتماعی در ساختن باطن مسیحیان چیست؟
- آیا خشونت برای مسیحیان راه درستی است؟
- ....

#### الهیات پذیرش فرهنگها:

خاستگاه این الهیات آن است که مسیحیان امروز، خود را در محیطهای با فرهنگهایی کاملاً متفاوت با یکدیگر می‌یابند. این رشته از الهیات رابطه بین رسالت مسیحی و فرهنگ را بررسی می‌کند. الهیات پذیرش فرهنگها به مسائلی به شرح زیر می‌پردازد:

- مسایل زبیربنایی و مسایل روئینایی دین مسیحی چیست و آیا این مسائل که برای مسیحیت پیش آمده، از تحولات فرهنگی و تاریخی برخاسته است؟
- هنگامی که مسیحیان در جوامع مختلف درباره ایمان خود می‌اندیشند، افکار تازه آنان در مسیر بارور کردن همه جامعه مسیحی چیست؟

- رابطه میان کلیسای بومی (ملی) و کل جامعه مسیحی چیست؟
- برخورد رسالت مسیحی با هر فرهنگی به طور ویژه و با خصوصیات آن چگونه است؟ ارزشهای سنتی و فرهنگی مورد تایید مسیحیت کدام است و چیزی که باید در مقابل آن مقاومت کرد و آن را کنار زد، کدام؟

#### ۲- فلسفه :

##### الف - نخستین برخورد مسیحیت و فلسفه

مسیحیان نخستین با فلسفه برخوردی احتیاط‌آمیز داشتند و در برخی اوقات آن را کاملاً مردود می‌شمردند. علت این امر آن بود که از دیدگاه ایشان، فلسفه با دیانت بت پرستی یونانیان برابر بود و فلسفه را فقط نوعی بیان فکری از جهان بینی بت پرستی می‌دانستند. براین اساس، آنان احساس می‌کردند که آموختن علوم فلسفی یونان که در جهت مخالفت ایمان به خدای واحد قرار گرفته است، برای آنان روا نیست... اما در اسکندریه، فلسفه به عنوان کوششی بشری برای شناخت و تلاشی فراتر از اعتقادات دینی و آیینهای مردم تلقی می‌شد. در زمان خود عیسی نیز فیلسوف یهودی بزرگ اسکندریه، فیلون (۲۰ ق.م. ۵۰ م.) به تفسیر اندیشه یهودی از زوایه متافیزیک افلاطون شهرت یافته بود. از این رو، تعجبی

سه گانگی (توحید مسیحی)

یکی از اعتقادات اساسی مسیحیان ایمان به خدای یکتاست. درک یگانگی خدا در مسیحیت اهمیت زیادی دارد. و هر تفسیری از سه گانگی ذات خدا که وحدانیت او را مخدوش کند، از نظر ایمان مسیحی مردود است

در تاریخ کلیسا، افراد و گروههایی یافت شده‌اند که یگانگی خدا را انکار کرده و به سه گانگی او قایل شده‌اند. ولی کلیسا نظریه‌های آنان را مردود دانسته و مخالف تعلیم مسیحی صحیح اعلام کرده است....

غالباً، عهد جدید روح القدس را «روح خدا» می‌نامد. مفهوم روح القدس در مسیحیت با مفهوم آن در اسلام تفاوت دارد. به نظر سنت مسیحی و کتابهای مقدس، روح القدس جبریل فرشته خدا و آفریده‌ای از آفریدگان و جدای از خدا نیست. به عقیده مسیحیان وی خود خداست که در قلوب مردم و جهان زیست می‌کند



مسلك تصوف تكامل در فضاييل مختلف، مانند محبت، تواضع و خدمت را دليل درستي تجربه تصوف مي‌دانند.

بر اساس تصوف مسیحی، خدای سبحان به طور همزمان متعالی و حاضر است. صوفیان مسیحی درست‌اندیش مفهوم ذوب شدن (وصل) در خدا را انکار می‌کنند و تصوف مسیحی به دوگانگی وجود دارد وحدت روحانی با خدا را به معنای اتحاد در محبت و اراده می‌داند که در آن جدایی بین خالق و مخلوق امری ثابت و مسلم است.

در این مبحث بخشهای زیر وجود دارد.

آغاز نهضت رهبانی - هنریکاسم - صوفیان قرون میانه غرب - فرانسیس اسنیری - صوفیان اسپانیایی - یوحنا صلیب - ترزای اویلی - ایگناتیوس دولویولا تصوف در سنت پروتستان.

ندارد که اسکندریه نخستین مکانی باشد که در آن مسیحیان از اصطلاحات و مفاهیم فلسفه یونان برای بیان تعلیم مسیحی استفاده کرده باشند. از این قسمت به بعد مؤلف به اختصار به مباحث زیر پرداخته است. افلاطونیان مسیحی نخستین - نوافلاطونی مسیحی - فلسفه اصحاب مدرسه تاثیر فیلسوفان مسلمان - کشف مجدد ارسطو - توماس اکویناس و تومیسم ارسطویی

### ۳- حیات روحانی و تصوف :

الف - تصوف در سنت مسیحی:

در مقام تعریف می‌توان گفت: تصوف شناخت مستقیم خداست که در زندگی این جهانی از راه تجربه دینی فردی برای انسان حاصل می‌شود. تصوف عبادتی است که بر دو اصل استوار می‌شود: نخست، اوقات اندکی که برای انسان احساس «تماس» الهی دست می‌دهد؛ و دوم، اتحاد پیوسته‌ای با خدا که گاهی آن را «زدواج روحانی» می‌نامند. همه پیروان